

## تأملی در کتاب «انسان‌شناسی اسلامی»

چهارشنبه، ۱۳۹۰/۲۵/۰۸ - ۲۲:۲۱ — modir

زیر عنوان:

گفتگو با حجت‌الاسلام دکتر رضا برنجکار

نام نویسنده:

ابوذر رجبی

اشاره

انسان‌شناسی از جمله دانش‌هایی است که از دیر زمان مورد توجه مکاتب مختلف بشری در شرق و غرب بوده است. امروزه انسان‌شناسی با رویکرد تجربی و گاهی فلسفی موضوعی است که مدنظر مجامع علمی می‌باشد؛ اما علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته هنوز هم از ارائه تبیین صحیح آن ناتوانند. در امواج پرتلاطم عصر جدید انسان‌شناسی دینی راه صحیح شناخت انسان و بحران‌های پیش روی اوست. در بین انسان‌شناسی دینی موجود، انسان‌شناسی اسلامی از امتیازات برتری نسبت به انواع بدیل خود برخوردار است. در واقع انسان‌شناسی اسلامی پاسخی است به پرسش‌های بنیادین زیادی که در نگرش آدمی به زندگی و معنای آن و هدفمند نمودن زندگی نقش بسزایی دارد. کتاب «انسان‌شناسی اسلامی» تألیف مشترک حجت‌الاسلام دکتر رضا برنجکار و دکتر علینقی خدایاری به این منظور نگاشته شده است. برای معرفی بیشتر این کتاب گفتگویی با حجت‌الاسلام دکتر برنجکار انجام داده‌ایم که تقدیم‌تان می‌شود.

معارف

چه ضرورتی شما را به تألیف کتاب «انسان‌شناسی اسلامی» وا داشته است؟

تاکنون کتاب‌های فراوانی با رویکردهای متفاوت درباره انسان‌شناسی نوشته شده است. با توجه به گستردگی مباحث مطرح در متون دینی در زمینه مباحث انسان‌شناسی، استفاده حداکثری از هدایت وحی که در قرآن و احادیث اهل‌بیت (ع) متجلی است، مهمترین موضوع برای انسان‌شناسی خودش می‌باشد، که این شناخت مقدمه دیگر معرفت‌ها از جمله معرفت خداست که امری کاملاً ضروری است.

امروزه چه مقدار به بحث انسان‌شناسی در مجامع علمی غرب و شرق توجه می‌شود؟

اگر انسان‌شناسی را به معنای عام خود لحاظ کنیم و هر یک از علوم انسانی را از جهتی انسان‌شناسی بدانیم، خواهیم دانست که انسان‌شناسی اولویت اول است چون با آن می‌توان جامعه و انسان را مدیریت کرد. علوم پایه و علوم فنی در واقع در مسیری حرکت می‌کنند که علوم انسانی برای یک جامعه ترسیم کرده است. آنچه در این کتاب به عنوان انسان‌شناسی مطرح شده معنای خاص‌تری است که می‌تواند به منزله مبنایی برای نظریه‌پردازی در علوم انسانی متعارف مورد استفاده قرار گیرد.

چرا در نگارش این کتاب از رویکردهای چندگانه در مسئله انسان‌شناسی به «انسان‌شناسی دینی» توجه کرده‌اید؟ علت آن است که خالق یک چیز بهتر از هر کس می‌داند که چه چیزی را آفریده است؛ «أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ» (ملک/۱۴) بنابراین باید از روشنگری وحی درباره انسان حداکثر استفاده را برد. البته در انسان‌شناسی دینی، از دیگر رویکردها نیز استفاده می‌شود زیرا بسیاری از آیات و احادیث مربوط به انسان، ارشاد به حکم عقل و تذکر به معرفت‌های قلبی و وجدانی است. از سوی دیگر در تمام مباحث کتاب تلاش شده که مطالب درس‌ها با ارجاعات متعدد به متون اصیل دینی مستند گردد تا هم اتقان اثر بیشتر شود و هم اعتماد لازم به مطالب آن که پایه مواجهه مثبت با یک اثر است، در دانشجویان پدید آید.

بحران‌های انسان مدرن از مباحث مهم در عصر جدید است. در کتابتان تا چه اندازه‌ای به این بحران‌ها و راحل‌های پیشنهادی انسان‌شناسی اسلامی توجه کرده‌اید؟

موضوع کتاب بررسی این بحران‌ها نبوده است اما در فصل اول به برخی از مشکلات انسان معاصر و ریشه‌های آن اشاره شده است. به نظر می‌رسد مشکل اصلی ناشی از دیدگاه نادرست انسان معاصر نسبت به خود و جهان پیرامون اوست. تا زمانی که انسان خود را به عنوان مجموعه‌ای از امیال و هواهای نفسانی، محور عالم می‌داند و از اصل و اساس خود منقطع شده، بحران‌های روحی و معنوی و حتی مادی همچنان گریبانگیر او خواهد بود. برتری انسان‌شناسی اسلامی نسبت به انواع بدیل خود را چگونه در این کتاب نشان داده‌اید؟

در این کتاب سعی کرده‌ایم نشان دهیم که آنچه خداوند در توصیف انسان فرموده است نسبت به توصیف‌های دیگران انطباق وجدانی، فطری و عقلی بیشتری دارد. به عبارت دیگر با مراجعه به وحی می‌توانیم حقایقی را در مورد خودمان

وجدان کنیم که عقل و قلب ما بدون این مراجعه قادر به درک آنها نبوده است. البته درسی بودن کتاب اجازه نمی‌دهد که در هر بحث توضیحات کاملی ارائه شود. اساتید محترم می‌توانند اجمال کتاب درسی را به تفصیل در آورند.

در این کتاب فصلی را به آفرینش انسان اختصاص داده‌اید؛ رویکرد کلی شما در این فصل چگونه بوده است؟ در فصل دوم آفرینش انسان مورد بحث قرار گرفته است. این فصل برخلاف دیگر فصل‌ها که لسان وحی جنبه ارشادی و تذکری و وجدانی دارد، تا اندازه زیادی تعبدی است؛ هر چند آنچه در آیات و احادیث در باره آغاز آفرینش انسان وارده شده با عقل و تجربه قابل درک است.

در دو فصل به ساحت‌های وجودی انسان پرداخته‌اید؛ علت بررسی تفصیلی این امر چیست و با چه رویکردی به آن پرداخته‌اید؟

بحث ساحت‌های وجودی انسان در واقع قلب انسان‌شناسی است. این بحث قطع نظر از گذشته و آینده انسان، به انسان موجود می‌پردازد و سعی می‌کند او را توصیف کند. در واقع قسمت اصلی انسان‌شناسی، توصیف انسان موجود و ساحت‌های وجودی اوست و رویکرد اصلی آن عقلی و وجدانی است. به اعتقاد بنده وقتی قرآن و احادیث درباره ساحت‌های وجودی انسان بحث می‌کند، انسان را به خودش ارجاع می‌دهد و به او می‌گوید اگر در خودت تأمل کنی می‌یابی که مثلاً دارای عقل و فطرت و اختیار هستی و توصیف این امور همین است که من می‌گویم. قرآن و احادیث در این موارد با ذکر مثال‌هایی انسان را به خود و وجدان و عقلش ارجاع می‌دهند و او را متوجه داشته‌های خود می‌کنند.

امروزه تکنولوژی آموزشی در کتاب‌های درسی اهمیت خاصی دارد. شما از چه تکنیک‌های آموزشی در این کتاب بهره برده‌اید؟

بیان اهداف قبل از شروع بحث و ارائه خلاصه بحث و پرسش‌ها و پژوهش‌هایی که انجام آن در فراگیری درس کمک خواهد کرد و نیز معرفی برخی منابع برای مطالعه بیشتر و پژوهش، تکنیک‌هایی است که در این کتاب از آن استفاده شده است. البته نقش اساتید در فرایند آموزش، محوری و تعیین‌کننده است و اموری که ذکر شد صرفاً زمینه‌هایی است که اساتید با استفاده از آنها می‌توانند دانشجویان را به فراگیری فعال و توأم کردن آموزش و پژوهش تشویق نموده و آنها را راهنمایی کنند.

از مباحث مهم حوزه انسان‌شناسی مسئله خودشناسی است. برای هویت بخشیدن به دانشجو این امر اهمیت ویژه‌ای دارد. شما چگونه به این امر پرداخته‌اید؟

به عقیده من اگر دانشجو بداند که از کجا آمده و به کجا می‌رود و در این مسیر چه دارایی‌ها و امکانات ارزشمندی دارد، احساس هویت و مسئولیت خواهد کرد.

چه شیوه و راهکاری برای جذابیت ارائه این درس برای اساتید معارف دارید؟

به طور کلی مهمترین راهکار فعال کردن دانشجو است. این کار هم در کلاس و هم خارج از کلاس مطرح است. در کلاس با طرح چند سؤال و پاسخ خواستن از دانشجویان آنگاه با طرح مطالب کتاب می‌توان به این هدف نزدیک شد و بیرون از کلاس با ارائه پژوهش‌ها و معرفی منابعی برای انجام آن به این امر اهتمام ورزید.

کتاب شما چه مقدار به دغدغه‌های امروزه دانشجویان پاسخگو می‌باشد؟

همان‌طور که در ابتدای کتاب بیان شده است، این کتاب در صدد بررسی مهمترین و مبنایی‌ترین پرسش‌ها درباره انسان است نه همه موارد. اگر موارد اساسی برای انسان حل شود طبعاً راه برای حل موارد دیگر هموار خواهد شد.

در پایان اگر برای تقویت دروس معارف پیشنهادی دارید بیان کنید.

اساتید معارف باید در کنار تدوین کتاب‌های متعدد برای یک ماده درسی با رویکردهای مختلف، از جهات متفاوت به خصوص از لحاظ بهره‌گیری از تکنیک‌های آموزشی، تقویت شوند.